

بررسی اجمالی اثر فسخ و مطالبه خسارت در قراردادها

با محوریت ماده چهل و هشت شرایط عمومی پیمان‌های پیمانکاری ساخت

ایرج گلابتونچی^۱ / محسن رجب زاده^۲ / لیلا محمودی مدوییه^۳

* نوع مقاله: پژوهشی / تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۱۱ / تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۲۱

کد مقاله: JHVMN-2410-1241

چکیده

اگرچه فسخ قرارداد، طرفین را از تعهداتشان معاف می‌دارد، اما با وجود این، بر روی همه حقوق و تکالیفی که ناشی از قرارداد است تأثیر نمی‌گذارد. یکی از این حقوق، حق مطالبه خسارت است که یک حق مستقل بوده و با سایر شیوه‌های جبران خسارت نیز قابل تجمیع است. در کنار این موضوع، شروط دیگری مربوط به داوری و حل و فصل و اختلافات قراردادی یا شروطی که قصد شده اند حتی بعد از فسخ نیز نافذ باشند، همچنان حتی پس از اعمال حق فسخ نیز قابلیت عملکرد دارند. در حقوق ایران اثر فسخ ناظر بر آینده بوده و این عمل قرارداد را از ابتدا بی‌اثر نمی‌سازد و منافع حاصل از مورد معامله در فاصله میان انعقاد عقد و فسخ، متعلق به کسی است که در اثر عقد مالک شده است. با اعمال حق فسخ از سوی صاحب خیار شرایطی محقق می‌شود که مطالبه خسارت از سوی طرفین موضوعیت می‌یابد. در این مقاله اثر فسخ در ارتباط با موضوع مطالبه خسارت مورد بحث و توجه قرار گرفته است. در این راستا اشاره مختصری در ارتباط با بحث به اثر خاتمه پیمان (ابلاغ ماده ۴۸ نشریه ۴۳۱۱ سازمان برنامه و بودجه کشور) در قراردادهای پیمانکاری ساخت و مطالبه و جبران خسارت نیز می‌گردد.

واژگان کلیدی: فسخ، جبران خسارت، مطالبه خسارت، عدم النفع، تفویض منافع، قراردادهای پیمانکاری.

^۱ دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

irajgolab@gmail.com

^۲ استادیار، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

mohsen_rajabzade51@yahoo.com

^۳ دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

elm_danesh@yahoo.com



مقدمه

ماده ۲۲۱ قانون مدنی در خصوص جبران خسارت ناشی از تخلفات قراردادی مقرر می‌دارد: «اگر کسی تعهد اقدام به امری را بکند یا تعهد نماید که از انجام امری خودداری نماید در صورت تخلف مسئول خسارت طرف مقابل است مشروط بر اینکه جبران خسارت تصریح شده و یا تعهد عرفاً به منزله تصریح باشد و یا برحسب قانون موجب ضمان باشد» ماده مزبور با در نظر گرفتن طبیعت و نوع تعهدات و قراردادهای فروض سه‌گانه ذیل را مورد حکم قرارداد است:

۱- تعهد به جبران خسارت تصریح شده باشد. در صورتی که تعهد به جبران خسارت به موجب قرارداد تصریح شده باشد، مشروط له در صورت تاخیر در انجام تعهد یا عدم انجام تعهد، مستحق مطالبه خسارت وارده خواهد بود. معمولاً طرفین قرارداد در مواردی که چنین مقصودی داشته باشند، این موضوع را در عقد تصریح می‌نمایند. اگر مشروط علیه از انجام تعهد (موضوع شرط) تخلف نماید، صرف تخلف از شرط موجب مسئولیت متعهد به جبران خسارت وارده نخواهد شد. بلکه تعهد به جبران خسارت باید در قرارداد درج گردد.

۲- قرارداد طرفین عرفاً به منزله تصریح به جبران خسارات وارده ناشی از عدم انجام تعهد یا تاخیر در انجام تعهد باشد. بنابراین در صورتی که نسبت به خسارات ناشی از تخلف یا تاخیر در انجام تعهد تصریح به جبران خسارت نشده، ولی تعهد عرفاً به منزله تصریح باشد، متعهد مسئول جبران خسارت وارده می‌باشد. در اینجا عرف و عادت باید مسلم باشد و صرف ادعا کفایت نمی‌کند. تشخیص عرف نیز با دادگاه و رویه قضایی است که عرف را به قواعد حقوقی مستند حکم، تبدیل می‌کند. در صورت مسلم نبودن عرف و یا تردید در وجود آن، اصل عدم، حاکم است. هر چند برخی از حقوق‌دانان مسلم بودن عرف را در این مورد تأکید نموده‌اند (شهیدی، ۱۳۸۳).

بحث مسئولیت از باب تقصیر عمدی که ناشی از قصور یک طرف در انجام تعهدات بوده و بر این اساس به طرف دیگر (ذوالخیار) خسارت وارد شده و بعضاً به همین لحاظ سبب تحقق حق فسخ گردیده، قابل بررسی است. مسلم است که در اثر تقصیر و کوتاهی وی در انجام تعهدات اصلی و شروط ضمن عقد، اجرای عقد به نحوی که طرفین قصد کرده‌اند، متعذر خواهد شد. بدیهی است از آنجا که منشأ تحقق حق فسخ و اختیارات قانونی و قراردادی، عملیات و قصوری بوده که از ناحیه من علیه الخیار سرزده، بنابراین می‌توان او را از باب تسبیب مسئول شناخته و ملزم به جبران خسارت کسی نمود که به واسطه این قصور صاحب حق فسخ شده و آن را اعمال کرده است (نهرینی ف، ۱۴۰۰: ۳۵۲).



یکی از شرایط مسئولیت متعهد، وجود رابطه سببیت بین تخلف قراردادی ورود خسارت به طرف مقابل است. این شرط هرچند به طور مشخص و صریح در مواد قانون مدنی ایران مربوط به اثر معاملات بیان نگردیده است؛ اما با مطالعه مواد مربوطه به خسارت تخلف از انجام تعهد و از جمله مبحث دوم مربوط به مواد ۲۲۶ به بعد قانون مدنی که با عبارت «در خسارات حاصله از عدم اجرای تعهدات» مشخص گردیده است، می توان دریافت که وجود رابطه سببیت مزبور برای تحقق مسئولیت متخلف، ضروری است. خسارت ناشی از تخلف (عدم انجام یا تاخیر در انجام) و کمیت یا کیفیت آن نیز باید به وسیله متعهد هنگام تشکیل قرارداد در حدود متعارف و معقول پیش بینی شود. در غیر این صورت نمی توان متعهد را ملزم به جبران آن دانست (ادیبی م، ۱۳۹۴:۱۶۰).

خسارت ناشی از تخلف از انجام تعهد، از حیث منشأ دارای دو تقسیم است: یکی از جهت منشأ مادی که از این حیث به خسارت تلف مال و خسارت محروم ماندن از منافع اجرای قرارداد، تقسیم می شود. ممکن است در اثر خودداری متعهد از اجرای تعهد، مالی از اموال متعهدله از دارایی او خارج یعنی نسبت به او تلف شود. این خسارت تلفی و بایستی جبران گردد (ادیبی م، ۱۳۹۴:۱۵۸).

دومین تقسیم از جهت منشأ، خسارت از جهت منشأ حقوقی است که از این حیث به خسارت ناشی از تخلف از انجام تعهد قراردادی و تخلف از اجرای تعهد قهری تقسیم می شود. بنابراین جبران خسارت ناشی از این تخلفات در انجام تعهدات مربوطه نیز به وسیله زیان دیده قابل مطالبه است (ادیبی م، ۱۳۹۴:۱۵۹).

۳- قرارداد قانوناً موجب ضمان باشد مانند تعهد متصدی حمل و نقل به رسانیدن کالا به مقصد.

برای افراد در یک قرارداد، برای متعاقبین و حتی ثالث حقوق و مزایای مالی و غیرمالی ایجاد می گردد. حقوق مالی ایجاد شده جزئی از دارایی صاحب حق و همانند هر مال دیگری ممکن است خود، منشأ درآمد جدیدی گردد. گسست قرارداد و نقض عهد در چنین حالتی، فعل زیان باری است که به این موقعیت مشروع و قانونی، لطمه وارد می کند. برای اینکه خسارت به شکل کامل جبران شود، باید وضعیت زیان دیده به شرایطی بازگردد که قبل از نقض عهد از آن برخوردار بوده است، یعنی، به وضعیتی که قرارداد قوت خود را حفظ کرده و متصور است که تمام حقوق و مزایای ناشی از آن در پرتو عمل به تعهدات حاصل شود. مثلاً در خصوص خاتمه پیمان در قراردادهای پیمانماری باید وضعیت زیان دیده در شرایطی مدنظر قرار گیرد که تعهدات طرفین کاملاً انجام می شد و حقوق طرفین در ورای این عمل حاصل می آمد. یعنی اینکه قرارداد به اتمام رسیده و بهره برداری از پروژه آغاز می گردید.



۱- مفهوم شناسی

با توجه به مطالب عنوان شده در خصوص مفهوم کلی جبران کامل خسارت در نقض عهد باید عنوان نمود: هدف از جبران کامل خسارت متغیری است که به شرایط فرد زیان دیده بستگی دارد؛ گاهی هدف آن عبارت است از قرار دادن زیان دیده در وضعیت قبل از انعقاد قرارداد و گاهی هدف آن عبارت است از قراردادن وی در وضعیتی که اگر قرارداد بدون نقض عهد اجرا می‌شود، زیان دیده در آن وضعیت قرار می‌گرفت و گاهی فراتر از این وضعیت است. به این معنی که در عین حفظ منافع و مزایای قرارداد، زیان‌های وارد شده به وی جبران شود به نحوی که در وضعیتی بهتر یا وضعیتی بدتر از زمانی که تعهد اجرا می‌گردد، قرار نگیرد، در امکان مطالبه خسارت در کنار فسخ قرارداد نیز باید به جهت رسیدن به جبران کامل خسارت حسب مورد یکی از موارد را انتخاب نمود که قراردادن زیان دیده در وضعیت تعهد انجام شده مهم‌ترین مبنا است.

در نظام حقوقی انگلیس، اصل اساسی و اولیه در این خصوص این است که هر خسارتی از جمله خسارات ناشی از نقض قرارداد باید جبران شود و زیان دیده از نقض قرارداد، حتی الامکان باید در شرایط اجرای کامل و صحیح قرارداد واقع شود. به عبارت دیگر، خسارت وارده باید به طور کامل جبران شود. یکی از مهم‌ترین اصول حاکم بر پرداخت خسارت در نظام‌های حقوقی مبتنی بر کامن لا، اصل جبرانی بودن پرداخت خسارت است. به موجب این اصل که هم در حوزه حقوق قراردادهای و هم در حوزه حقوق مسئولیت مدنی به کار می‌رود، پرداخت خسارت به منظور جبران زیان‌هایی است که به خواهان وارد گردیده، نه تنبیه طرف ناقض یا محروم کردن وی از سودی که از نقض قرارداد کسب کرده است. این اصل کارکردهای متعددی دارد که از جمله آنها تعیین نوع خسارت‌هایی که طرف زیان دیده می‌تواند دریافت کند و نیز محدود کردن آنها است.

در حقوق ایران در قوانین و مقررات از اصل جبران کامل خسارت نامبرده نشد است؛ اما با بررسی منابعی که قوانین و مقررات بر مبنای آن منابع وضع شده، از حیث برداشت مفهومی به وجود این اصل می‌توان پی برد؛ مثلاً در فقه مطابق قاعده لاضرر اگرچه برداشت‌های متعددی از مفهوم این قاعده وجود دارد؛ اما می‌توان گفت ضرر به کار برده شد در این قاعده شامل کلیه خسارت‌ها و زیان‌های وارد شده به دیگری است؛ ولی ضرر مربوط به مواردی است که شخص با استفاده از یک حق یا جواز شرعی به دیگری زیان وارد سازد که در اصطلاح امروزی به آن سود استفاده از حق تعبیر می‌شود (محقق داماد، ۱۴۲، ۱۳۸۶). در قانون مدنی، هم در بحث مسئولیت قراردادی و هم در بحث ضمان قهری مصادیقی وجود دارد که بر اساس آن، اصل جبران کامل خسارت قابل



استنتاج است، قانون مدنی در بحث خسارات ناشی از عدم انجام صحیح تعهدات قراردادی، لفظ کلی خسارات و قابلیت جبران آنها را به کار برده است، بدون آنکه به روشنی دایره خسارات قابل جبران را در این مورد مشخص کند. در ماده ۲۲۱ قانون مدنی عنوان شده است: «اگر کسی تعهد اقدام به امری را بکند یا تعهد نماید از انجام امری خو داری کند، در صورت تخلف مسئول خسارات طرف مقابل است، مشروط به اینکه جبران خسارت تصریح شده و یا تعهد عرفاً به منزله تصریح باشد و یا برحسب قانون موجب ضمان باشد» آنچه در این ماده مشهود است این است که خسارت، مفهومی بسیار وسیع داشته و می‌تواند شامل فوت منافع مشروعی نیز بشود که در اثر نقض عهد از بین رفته است، همچنین این خسارات کلیه هزینه‌ها و خسارات مالی را نیز در برمی‌گیرد. در بحث ضمان قهری از جمله مباحث مربوط به غصب و اتلاف و تسبیب می‌توان نشانه‌هایی از اصل جبران کامل خسارت را یافت. در نهاد غصب، جلوه‌هایی مشابه اصل جبران کامل خسارت مشاهده می‌گردد؛ نه تنها درجه تقصیر، بلکه عدم تقصیر و حتی حسن نیت غاصب نیز تأثیری در مسئولیت و میزان آن ندارد. به رسمیت شناختن چنین وضعیتی حاکی از پذیرش اصل جبران کامل خسارت است. از سویی دیگر غاصب، گذشته از ضمان عین و منفعت، نسبت به تفویت منفعت (تلف منافع غیر مستوفات) مسئولیت دارد (مواد ۲۶۱ و ۳۲۰ قانون مدنی) و این توجه به حقوق مالک، یادآور اصل جبران کامل خسارت است. در مواد ۱ و ۸ و ۹ و ۱۰ قانون مسئولیت مدنی نیز در بحث جبران خسارت طیف گسترده‌ای؛ از خسارات قابل جبران شناخته شده است که با توجه به گستردگی دامنه آن اصل جبران کامل خسارات از آن قابل برداشت است. مواد مختلف قانونی دیگری نیز وجود دارد که اصل جبران کامل خسارات از آن قابل برداشت است؛ بنابراین در خصوص ایران با توجه به وجود قواعد فقهی چون لاضرر و تسبیب و همچنین موارد متعدد قانونی که دایره وسیعی از خسارات را قابل مطالبه معرفی نموده‌اند، نبود مانع قانونی جز در موارد خاص مثل مطالبه خسارت تأخیر تأدیه وجه نقد و یا عدم‌النفع می‌توان اصل جبران کامل خسارات را به‌عنوان یک اصل شناخته شده و مورد استفاده در خصوص ایران معرفی نمود.

۲- مطالبه خسارت مازاد فسخ

در مواردی که حق فسخ قرارداد یک ضمانت اجرا در مقابل نقض عهد است، فسخ به این معنا نیست که متعهدله از ارزش و موقعیتی که قرارداد برای او ایجاد کرده است، صرف‌نظر نموده است؛ بلکه صرفاً به این معنا است که چون متعهد به تعهد خود عمل نکرده است، متعهدله نیز واکنش نشان داده و التزام به تعهدات قراردادی را به پایان برده است، نتیجه اینکه، متعهدله در عین حال که می‌تواند عقد را فسخ کند، می‌تواند خسارات خود را اعم از خسارات اصلی، تبعی و فرعی مطالبه



نماید. مستند به اصل جبران کامل خسارات و قاعده لاضرر از یک سو که به قابلیت جمع جبران خسارات در کنار فسخ قرارداد مشروعیت داده‌اند و عدم مخالفت صریح شرع و قانون گذار از سوی دیگر، همچنین تشریح ماهیت فسخ به این صورت که فسخ به این معنا نیست که متعهدله از ارزش و موقعیتی که قرارداد برای او ایجاد کرده است، صرف نظر نموده است، بلکه صرفاً به این معنا است که چون متعهد به تعهد خود عمل نکرده است، متعهدله نیز واکنش نشان داده و التزام به تعهدات قراردادی را به پایان برده است و این اقدام مانعی در محاسبه و جمع جبران خسارت با فسخ قرارداد محسوب نمی‌گردد. امکان مطالبه خسارات در کنار فسخ قرارداد وجود دارد؛ بنابراین اعمال فسخ ضمانت اجرایی پیشگیرانه و به جهت جلوگیری از ایجاد خسارات بیشتر از طریق عدم انجام تعهدات از سوی فسخ کننده است و نمی‌توان اعمال فسخ را مانعی جهت مطالبه خسارات وارده قلمداد نمود (رضایی م و همکاران، ۱۳۹۸: ۴۶).

قاعده عقلی و حقوقی در قاعده لزوم جبران خسارت متضرر بی‌تقصیر آن است که هرگاه کسی به عمد و یا به تقصیر موجب خسارت و ضرر دیگری شد، نظام اجتماعی و حقوقی و همین‌طور رویه و منش عقلا ایجاب می‌کند که آن ضرر بدون جبران نمانده و ضرر زنده به‌عنوان نزدیک‌ترین فرد و عامل ایراد خسارت مسئول جبران آن باشد. مسئولیت قراردادی افراد تعهدی فرعی بر اصل قرارداد محسوب می‌شود (عادل م ۱۳۸۰: ۱۰۵).

خسارت ناشی از نقض قرارداد در یک تقسیم‌بندی، به دسته جبرانی، تنبیهی و اسمی تقسیم شده است. برخی خسارت تبعی را نیز به این سه دسته اضافه کرده‌اند (نعمت الهی الف، ۱۳۹۸: ۱۸۱). در نظام‌های کامن‌لائی برای هرک از طرفین قرارداد سه نوع منفعت در نظر گرفته می‌شود: منفعتی که از اجرای قرارداد انتظار داشته است (منفعت انتظار)، منفعتی که در جبران هزینه‌ها و زیان‌هایی که با اعتماد به قرارداد متحمل شده است (منفعت اعتماد) و منفعتی که در بازگرداندن نفعی که در راستای اجرای تعهد قراردادی خود به طرف مقابل رسانده، دارد (منفعت استرداد) (نعمت الهی الف، ۱۳۹۸: ۱۸۱). ضرر زدن به هر یک از منافع به خسارتی متناظر با آن منتهی می‌شود که به ترتیب خسارت انتظار، خسارت اعتماد، خسارت استرداد نامیده می‌شود. خسارت‌های مذکور جامع همه خسارات نیست و دو نوع خسارت دیگر نیز به آنها افزوده شده است؛ خسارت تبعی و خسارت جانبی (نعمت الهی الف، ۱۳۹۸: ۱۸۲).



شایان ذکر است بر اساس نظر (نهرینی ف، ۱۴۰۰:۳۳۶) مساله وجه التزام یا همان خسارت قراردادی که موضوع ماده ۲۳۰ قانون مدنی است نشان می‌دهد اساساً حقوق مدنی ایران خسارت و مطالبه آن را پذیرفته و به آن وجهت قانونی داده است.

۳- ضرر و تفویت منافع

یکی از مواردی که موجب می‌شود یکی از طرفین از دیگری مطالبه خسارت نماید، ضرری است که فاعل عمل و مسبب ورود خسارت مستقیماً یا به واسطه به متضرر تحمیل کرده است (نهرینی ف، ۱۴۰۰:۳۳۱). ضرر می‌تواند به شرح زیر تقسیم‌بندی شود (حسین‌آبادی الف، ۱۳۸۱:۱۴۱):

الف- ضرر مادی که محقق شده و قابل اثبات است. به عبارت دیگر امر وجودی است.

ب- ضرر مادی که هنوز محقق نشده و احتمال تحقق آن می‌رود و خود بر دو قسمت است:

۱- ضرر مادی قابل پیش‌بینی.

۲- ضرر مادی احتمالی و غیر قابل پیش‌بینی.

ج- از دست دادن منافع مستوفات (استفاده‌شده).

د- از دست دادن منافع غیر مستوفات (استفاده‌نشده)

ه- ضرر معنوی وارد شده بر خود.

و- ضرر معنوی هنوز تحقق نیافته و محتمل.

در فقه امامیه ضمان منافع به دو شکل منافع مستوفات (منفعی که در اثر استفاده تلف شده است) و منافع غیر مستوفات (منفعی که شخص امکان بهره‌برداری آن را از مالک سلب کرده و خودش هم منتفع نشده است) بررسی شده است (کرمی.س ۱۰۰:۹۱). برخی فقها صراحتاً تفویت منفعت محقق را به اتکا عرف ضرر تلقی نموده و حکم کلی لزوم جبران ضرر بر آن بار نموده‌اند (کرمی.س ۱۰۱:۹۱). برخی دیگر از فقها نیز تفویت منافع محقق را از مصادیق اتلاف تلقی و به استناد خود قاعده اتلاف به مضمون بودن آن حکم داده‌اند. جمع‌بندی دیدگاه‌های فقهای که تفویت منافع مسلم را سبب ضمان دانستند نشانگر این است که این دسته از فقها عمدتاً قواعد ضمان ید، اتلاف، لاضرر و نباء عقلا را مبنای ضمان قرار داده‌اند (کرمی.س ۱۰۲:۹۱).



برخی مواقع فعل سبب هیچ یک از اموال موجود یک شخص نمی‌شود، بلکه باعث می‌شود منفعی که در انتظار حصول آن را داشته حاصل نشود یا متوقف گردد. در حالی این شخص برای رسیدن به این منفعت هزینه کرد و شرایط تحقق آن را فراهم نموده است اما فعل طرف مقابل منابع از حصول یا تحقق این منافع می‌شود. مثلاً در قضیه ابلاغ خاتمه پیمان در قراردادهای پیمانکاری (ابلاغ ماده ۴۸ شرایط عمومی پیمان نشریه ۴۳۱۱ سازمان برنامه و بودجه کشور) این مساله قطعاً اتفاق می‌افتد. پیمانکار با اخذ پروژه و مشغول شدن در کار پروژه به دنبال رسیدن به سود حاصل از کار در پروژه است. برای این کار با به‌کارگیری ماشین‌آلات، نیروی انسانی، توان مالی و کلیه امکانات در اختیار و ممکن الحصول و قابل اختیار را به کار گرفته تا تعهدات پروژه، انجام شده و او به منابع حاصل از این کار برسد. با ابلاغ خاتمه پیمان از حصول یا رسیدن منابع یا بخشی از این منابع به نسبت کار باقیمانده قبل از این ابلاغ، به پیمانکار بر اثر فعل متعهدله (کارفرما) جلوگیری می‌شود.

بنابراین در قاعده فوق ابلاغ ماده خاتمه پیمان (ماده ۴۸) در واقع خسارت ناشی از تفویت منفعت مسلم است. در این حالت علاوه بر حاصل نشدن منافع متوقع، خسارت ناشی از تفویت منفعت مسلم نیز رخ می‌دهد. از آنجایی که دامنه منابع ممکن الحصول می‌تواند بیشتر از منافع عین مالی باشد لذا تفویت در فقره حاضر اشاره به بخشی از منابع ممکن الحصول ناشی از ترک فعل یا توقف انجام تعهدات با ابلاغ دستور متعهدله دارد.

در مواردی که به دلایل نقص عمده یک‌طرف (مثلاً در بحث ماده ۴۸ شرایط عمومی پیمان اقدام یک‌طرفه کارفرما به خاتمه پیمان) چون با این عمل طرف دیگر (پیمانکار) عملاً از دستیابی به منافع محقق الحصول محرم شده است و این منافع تفویت می‌گردند، لذا بحث جبران خسارات آن وارد می‌باشد. در واقع طرف دیگر (پیمانکار) از منفعی که در صورت انجام تعهد عاید او می‌شود، محروم می‌گردد. محرومیت در این فقره محرومیت از منافع ناشی از اجرای قرارداد است. به‌طور کلی ضرر گاهی تحقق یافته و قابل اثبات بوده یعنی امری وجودی است و گاهی تحقق نیافته ولیکن قابل تحقق و اثبات بوده یعنی عدم النفع است. خسارت عدم النفع به شرط آنکه رسیدن نفع در آینده از عرفی محقق‌الوقوع باشد قابل مطالبه است (وحدتی شبیری ۱۳۸۲: ۱۷۶). از آنجایی که مشروعیت مطالبه عدم نفع از عقد گرفته نشده بلکه از تعهد ناشی شده که بر اثر ایراد خسارت به حکم شروع بر دوش مدیون می‌باشد. در ادامه با توجه به اهمیت قابلیت مطالبه خسارت ناشی از عدم النفع در فسخ و خاتمه در قراردادهای پیمانکاری به بررسی حقوقی این موضوع پرداخته می‌شود.



۴- مطالبه خسارت ناشی از عدم النفع در حقوق موضوعه

درباره عدم النفع یا فوت منفعت مسلم و مسئولیت ناشی از آن قوانین متعددی قابل استناد است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

- مواد ۵ و ۶ قانون مسئولیت مدنی حکم به جبران خسارت ناشی از کم شدن قوه کار یا سلب قدرت کار کردن کرده که مصداقی از عدم النفع و مشابه چیزی است که فقهای امامیه راجع به زندانی کردن اجیر یا انسان آزاد گفته‌اند.

- ماده ۱۳۳ لایحه اصلاحی قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ مقرر می‌دارد: «منظور از ضرر در این ماده اعم است از ورود خسارت یا تفویت منفعت» این عبارت مشابه ماده ۷۲۸ پیشین قانون آیین دادرسی مدنی است. با این تفاوت که به جای فوت منفعت در ماده ۱۳۳ قانون یادشده «تفویت منفعت» به کار رفته است و هر دو در حقوقی امروز اغلب مترادف با عدم النفع به کار می‌رود.

- در مواد ۵۳۵ و ۵۳۶ ق.م. از جبران خسارت مالک به علت زراعت نکردن یا عدم مواظبت متعارف در زراعت و کم شدن حاصل سخن به میان آمده که نوعی عدم النفع به معنی عام است.

- در ماده ۱۸ قانون کار پذیرفته شده که اگر کارفرما بدون مجوز قانونی مانع کار کارگر شود، چنانکه به سبب شکایت کارفرما، کارگر توقیف شود و این توقیف منتهی به محکومیت وی نگردد، باید علاوه بر ضرر و زیان وارده مطابق حکم دادگاه، مزد و مزایای او را نیز پرداخت کند. از ماده ۲۹ قانون کار نیز همین معنی قابل استنباط است.

- در ماده ۹ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری قدیم نیز ضرر و زیان قابل مطالبه، به این شرح بیان شده است:

«۱. ضرر و زیان‌های مادی که در نتیجه ارتکاب جرم حاصل شده است؛

۲. منافعی که ممکن الحصول بوده و در اثر ارتکاب جرم، مدعی خصوصی از آن محروم و متضرر می‌شود.»

از مواد فوق به وضوح برمی‌آید که قانون‌گذار ایران عدم النفع مسلم را ضرر و قابل جبران تلقی کرده است. مؤید این نظر مفهوم عام ضرر در فقه و قاعده لاضرر و تسبیب و اقوال بعضی از فقهای بزرگ امامیه است.



با وجود این، قانون جدید آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ در تبصره ۲ ماده ۵۱۵ چنین مقرر داشته است: «خسارت ناشی از عدم النفع قابل مطالبه نیست». در قسمت آخر ماده ۲۶۷ همین قانون نیز چنین آمده است: «ضرر و زیان ناشی از عدم النفع قابل مطالبه نیست».

ب: ماده ۵۳۶ ق.م. طبق این ماده: «هرگاه عامل به طور متعارف مواظبت در زراعت ننماید و از این حیث حاصل کم شود ... عامل ضامن تفاوت خواهد بود». کم شدن حاصل نوعی عدم النفع است که به جهت قصور طرف قرارداد در انجام تعهد قراردادی (انجام مواظبت متعارف) ایجاد شده است و ماده مذکور این قسم خسارت قراردادی را قابل جبران اعلام نموده است.

ج: ماده ۱۳۳ قانون تجارت: در این ماده تفویت منفعت جزء اقسام ضرر احصاء گردیده است.

د: ماده ۱۸ قانون کار: طی این ماده محرومیت کارگر از منافع ناشی از کار خود به واسطه توقیفی که مسؤولیت آن به عهده کارفرما می‌باشد، ضرر تلقی شده و قانون‌گذار کارفرما را مکلف به جبران زیان مزبور نموده است.

ه: ماده ۵ قانون مسؤولیت مدنی: که مقرر می‌دارد: «اگر در اثر آسیبی ... قوه کار زیان دیده کم گردد و یا از بین برود ... وارد کننده زیان مسئول جبران خسارت مزبور است...» و طبق ماده ۶ این قانون «... زیان ناشی از سلب قدرت کار کردن در مدت ناخوشی نیز جزء زیان محسوب خواهد شد...» مواد مذکور در فرضی که فعل عامل ورود زیان سبب سلب یا تقلیل قدرت کار کردن زیان دیده و محروم شدن وی از منافع ناشی از کار خود می‌گردد، این نوع محرومیت از منافع را خسارت به شمار آمده و قابل جبران اعلام نموده است.

و: ماده ۸ قانون مسؤولیت مدنی: در این ماده آمده است «... شخصی که در اثر انتشارات (مخالف واقع) مشتریانش کم و یا در معرض از بین رفتن باشد می‌تواند ... در صورت اثبات تقصیر زیان وارده را از وارد کننده مطالبه نماید». ملاحظه می‌شود که این مقرر که این مقرر کم شدن یا از بین رفتن مشتریان را از آن جهت که سبب می‌شود که شخص از منافع ناشی از فروش که انتظار آن را داشته محروم شود و زیان ببیند لذا زیان مربوطه را قابل مطالبه دانسته است.

ز: ماده ۱۶۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۷۸/۶/۲۸: که مقرر می‌دارد «در صورتی که شهود یا مطلعین برای حضور در دادگاه مدعی ضرر یا زبانی از حیث شغل و کار خود شوند ... دادگاه پس از تشخیص ورود ضرر، میزان آن را تعیین می‌نماید و متقاضی احضار مکلف به تودیع آن در صندوق دادگستری می‌باشد...». طبق این ماده نیز حرمان از منافع ناشی از اشتغال به کار در



مدتی که شخص برای شهادت در دادگاه حاضر می‌شود، ضرر به شمار آمده و قابل جبران تلقی شده است. ماده ۲۴ قانون راجع به کارشناسان رسمی مصوب ۱۳۱۷ نیز که در فرض به تعویق افتادن کارشناسی جبران تضییع وقت کارشناس را به عهده طرف متخلف قرار می‌دهد در واقع به نحوی بیانگر مسؤولیت مدنی ناشی از محروم نمودن فرد از منافع ناشی از کار می‌باشد.

ق: بند ۲ ماده ۹ ق.آ.د.ک: طبق این ماده که از مهم‌ترین مقررات مربوط به بحث فوات منافع و همچنین تعیین‌کننده حدود مسؤولیت مدنی ناشی از جرم می‌باشد، منافی که ممکن الحصول بوده و در اثر ارتکاب جرم، مدعی خصوصی از آن محروم و متضرر می‌شود از جمله زیان‌هایی است که زیان‌دیده از جرم می‌تواند مطالبه نماید. ملاحظه می‌شود که این ماده به زیان‌دیده از جرم اجازه داده است که خسارت ناشی از فوت منافع ممکن الحصولی را که به لحاظ وقوع جرم تحصیل نشده است، مطالبه نماید. در مورد تعریف منافع ممکن الحصول اظهارنظرهای متفاوتی از جانب علمای حقوق مطرح گردیده است که در مبحث آتی تشریح می‌گردد.

در خصوص تفویض منافع انسان و منافع ناشی از فعالیت و کسب‌وکار نیز می‌توان گفت صرف‌نظر از امکان شمول عنوان اتلاف و قابلیت تمسک به‌قاعده لاضرر به لحاظ تحقق مفهوم عرفی ضرر وحدت ملاک مأخوذه از مواد ۵ و ۶ قانون مسؤولیت مدنی و سایر مقررات مرتبط با تفویض منافع ناشی از کار که به آن اشاره گردید به این نتیجه‌گیری رهنمون می‌گردد که قدر متیقن آن است که عدم النفع مندرج در تبصره ۲ ماده ۵۱۵ قانون جدید آیین دادرسی مدنی شامل تفویض منافع ناشی از کار و فعالیت افراد و منع انسان اهل کسب‌وکار از اشتغال به کار و حرفه خود نمی‌گردد.

۵- مسؤولیت در برابر خسارت دیده

لزوم جبران ضررهای وارد شده به یک شخص را مسؤولیت مدنی می‌گویند. (قاسم‌زاده م، ۱۳۸۷). این مسؤولیت که اصولاً بر عهده فاعل زیان و بر مبنای تقصیر است، گاه به معنای عام و در جایی بکار می‌رود که شخصی در برابر دیگری به سبب قانون‌شکنی یا پیمان‌شکنی و خسارتی که به او وارد کرده است پاسخگو قرار می‌گیرد؛ به عبارت دیگر مسؤولیت مدنی ضمانت اجرای نقض قانون و تعهد است که بر عهده فاعل زیان قرار می‌گیرد. ولی در اکثر موارد مسؤولیت مدنی به معنی خاص استعمال می‌شود و این اصطلاح در برابر مسؤولیت‌های ناشی از نقض قرارداد یا تأخیر در اجرای آن (مسؤولیت قراردادی) قرار می‌گیرد. مقصود از مسؤولیت مدنی به معنای خاص آن است که شخصی به سبب ورود زیان به دیگری، بدون آنکه بین آن دو قراردادی بسته شده باشد مسئول قرار بگیرد.



از این مسئولیت که پاره‌ای از قواعد عمومی و اصول کلی آن در قانون مدنی در ذیل عنوان «الزامات بدون قرارداد» آمده است، به ضمان قهری نیز تعبیر می‌کنند. ضمان یا مسئولیت ممکن است اخلاقی یا حقوقی باشد. ضمان حقوقی نیز بر دو قسم است: به کیفری و مدنی تقسیم می‌شود. ضمان یا مسئولیت مدنی ممکن است با دخالت اراده و انعقاد قرارداد و ایجاد تعهد قراردادی و نقض آن یا به حکم مستقیم قانون ایجاد شود. این قسم از ضمان یا مسئولیت که به حکم قانون و بدون دخالت اراده ایجاد می‌شود ضمان قهری یا مسئولیت مدنی (به معنی خاص) نام دارد (قاسم‌زاده م، ۱۳۸۷: ۲۰ و ۲۱).

هر فعل یا ترک فعل که موجب اضرار به شخص اعم از حقیقی یا حقوقی شود سبب مسئولیت مدنی است. طبق این دیدگاه رکن مهم این مسئولیت ضرر است، به عبارتی مسئولیت در مقابل خسارتی که شخص (یا کسی که تحت مراقبت یا اداره شخص است) یا اشیاء تحت حراست وی به دیگری وارد کند و همچنین مسئولیت شخص بر اثر تخلف از انجام تعهدات ناشی از قرارداد را مسئولیت مدنی گویند (نجومیان ح، ۱۳۴۸: ۳۴۸). به‌طور کلی باید گفت شرط تحقق مسئولیت مدنی و مسئولیت کیفری این است که در هر دو مورد، شخص باید عملی را انجام دهد و یا از انجام عملی خودداری کند که موجب ضرر دیگری شود، نهایت آنکه در مورد مسئولیت مدنی، ضرر وارده متوجه یک شخص خصوصی است در حالی که در مسئولیت کیفری، ضرر متوجه جامعه می‌باشد (لوراسا م، ۱۳۷۵: ۳۰).

به عقیده برخی از حقوقدانان، در هر مورد که شخص ناگزیر از جبران خسارت دیگری باشد می‌گویند در برابر او مسئولیت مدنی دارد (کاتوزیان ن، ۱۳۹۵: ۸۶). از نظر عده‌ای دیگر، الزام به ترمیم نتایج خسارت وارده، مسئولیت مدنی است (حسینی نژاد ح.ق، ۱۳۷۷: ۱۳). به نظر برخی دیگر، مسئولیت مدنی عبارت است از ملزم بودن شخص به جبران خسارتی که به دیگری وارد آمده است. مسئولیت مدنی زمانی به وجود می‌آید که کسی بدون مجوز قانونی به حق دیگری لطمه زند و در اثر آن زبانی به او وارد آورد (قاسم‌زاده م، ۱۳۸۷: ۲۲). در مقام جمع این تعاریف برخی دیگر مسئولیت مدنی را چنین معرفی می‌کنند که هرگاه شخصی متعهد به جبران خسارت وارده به دیگری باشد که این خسارت عرفاً منسوب به وی باشد و شخص هیچ حق مشروعی در اضرار به غیر نداشته باشد، مسئولیت مدنی در جبران خسارت خواهد داشت (یزدانیان ع، ۱۳۷۹: ۲۷).



۶- مساله خاتمه پیمان در قراردادهای پیمانکاری ساخت و موضوع جبران و مطالبه خسارت

مساله خاتمه پیمان فقط در شرایط عمومی پیمان قراردادهای پیمانکاری ساخت (نشریه ۴۳۱۱) مطرح است. در این شرایط کارفرما با ابلاغ خاتمه پیمان که برآمده از مصلحت خود است به خاتمه و انحلال قرارداد اقدام می‌کند. در این شرایط کارفرما باید خسارت وارده به پیمانکار که عملاً قصوری در سقوط قرارداد و خاتمه و انحلال آن ندارد را به طریقی جبران نماید.

کارفرما در این حالت باید جبران خسارات ناشی از نقض تعهدات پیمانکار نسبت به ثالث را تقبل نموده و جبران نماید (بند «د» ماده ۴۸). کارفرما باید مصالح و تاسیسات موجود در کارگاه را در اختیار بگیرد و در هر مورد هزینه‌های مربوطه را به پیمانکار پرداخت نماید. در مورد مصالح و تجهیزات موجود در کارگاه که طبق مشخصات فنی بوده و برای اجرای موضوع پیمان تهیه شده است با پرداخت هزینه متعارف آنها این اقلام به کارفرما داده می‌شود. در واقع بر این اساس (زیر بند «ب»-۱ ماده ۴۸) پیمانکار نباید به دلیل خاتمه پیمان بابت تدارک تجهیزات و مصالح پروژه که باقی مانده متوجه ضرری شود و آثار مالی منفی برای او به همراه داشته باشد. در این شرایط مصالح و تجهیزات به کارفرما با پرداخت نرخ متعارف آن تعلق می‌گیرد. طلب پیمانکار باید پرداخت شود. تضامین و سپرده های نقدی و بانکی پیمانکار نیز باید آزاد شده و به او مسترد شود.

اما یک بحث کلی در مساله خاتمه پیمان خسارت مالی است که به هر حال به پیمانکار وارد می‌شود. این خسارات از دو جنبه مورد توجه است اول اینکه پیمانکار برای انجام کار سود معقولی را در نظر گرفته است که این سود به صورت کامل یا تقریباً کامل زمانی محقق می‌شود که تعهدات انجام شده و پروژه تکمیل گردد. حال که پروژه و تعهدات آن بدون قصور پیمانکار متوقف و خاتمه می‌یابد. تکلیف سود پیش‌بینی شده پیمانکار که به دلیل عملکرد کارفرما از حصول آن محروم شده، چه می‌شود؟

در حالی که پیمانکار برای انجام کامل کار و رسیدن به سود معقول پیش‌بینی شده، اقدامات لازم را از جمله تجهیز کارگاه و تامین نیروی انسانی، مصالح، ماشین‌آلات و تجهیزات لازم راه انجام داده و در شرایطی که کارفرما کار را معلق کرده و به مصلحت خود قرارداد را خاتمه می‌دهد و تعهدات را به سقوط می‌رساند تکلیف این عدم کارکرد و این عدم النفع چیست؟ بهر حال کارفرما مسئول است که عدم النفع پیمانکار را که صرفاً به دلیل عملکرد و خواست و صد البته مصلحت کارفرما به آن نرسیده است را به طریقی جبران کند. بنابراین جبران این عدم النفع یکی از مسائل مهم و قابل بحث و پیگیری از سوی پیمانکار است.



از سوی دیگر با خاتمه پیمان و انجام مراحل مربوط به خاتمه پیمان بحث از دست رفتن وضعیت کار در حال و آینده و توسعه و گسترش کسب و کار پیمانکار و زبانی که در این خصوص به دلیل توقف کار متوجه پیمانکار می‌شود و چگونگی جبران آن از سوی کارفرما مطرح است. پیمانکار برای انجام کار صلاحیت‌های لازم و امکانات و ساختار مناسب را دارد. حال اگر این قرارداد به اجرا گذارده نمی‌شد پیمانکار در کار دیگری مشغول می‌گردید که چه بسا بسیار هم برای او سود و اعتبار به همراه داشت. با ابلاغ خاتمه قرارداد فرصت کارکرد از پیمانکار و تکمیل سود پیش‌بینی شده از او گرفته می‌شود و او فرصت شرکت در کارهای مشابه را نیز تا مدتی که بتواند خود را به شرایط مناسب برساند، گرفته می‌شود. بنابراین از دست رفتن فرصت‌ها نیز در کوتاه مدت و حتی تاثیری که این توقف و خاتمه پیمان برای کار آینده او دارد، نیز قابل طرح بوده و می‌باید جهت جبران آن پیگیری نمود و کارفرما در این خصوص نیز مسئولیت جبران دارد.

در بند «د» ماده ۴۸ شرایط عمومی پیمان (نشریه ۴۳۱۱) در خصوص خسارت این عبارت ذکر شده است «در صورتی که پیمانکار به منظور اجرای موضوع پیمان، در مقابل اشخاص ثالث تعهداتی کرده است و در اثر خاتمه دادن به پیمان ملزم به پرداخت هزینه و خسارت‌های به آن اشخاص گردد، این هزینه‌ها و خسارت‌ها، پس از رسیدگی و تایید کارفرما، به حساب بستانکاری پیمانکار منظور می‌شود».

مطابق مندرجات این بند پرداخت خسارت به ثالث به دلیل خاتمه پیمان در قراردادهای پیمانکاری سه عاملی به رسمیت شناخته شده است و کارفرما پس از بررسی و تایید آن ملزم به پرداخت آن است. در این خصوص لازم به ذکر است اولاً بروز خسارت به دلیل تعهدات است که متعهد در راستای انجام قرارداد به ثالث کرده است و ثانیاً خسارت وارده به ثالث در پرتو خاتمه پیمان بروز کرده و ثالثاً تعیین میزان خسارت وارده به ثالث پس از رسیدگی و تایید کارفرما به پیمانکار به‌عنوان متعهد قرارداد، پرداخت می‌شود.

پیمانکار در راستای انجام پیمان با افراد ثالث اعم از حقوق‌بگیران پیمانکار و دستمزد بر آن پروژه یا به تعبیر بهتر کارکنان و شاغلین در پروژه متعهد به پرداخت حقوق در مدت تعیین شده (عموماً یک‌ساله) است. علاوه بر این افراد، قراردادهای نیز در راستای انجام پروژه با ثالثین از جمله شرکت بیمه‌گذار، تامین‌کنندگان مصالح اصلی (مانند فروشندگان سیمان و آهن آلات) و پیمانکاران جز تنظیم و مبادله می‌کند. در تمام این قراردادها مدت تعیین و مشخص شده است.



بنابراین چنانچه قبل از انقضای مدت مقرر در قراردادهای مربوطه پیمان اصلی خاتمه یابد و به تبع آن قرارداد تبعی موصوف دچار خاتمه گردد، ادعای حقوقی ثالثین در این خصوص و جبران این دعوی به گردن پیمانکار به عنوان متعهد آن قراردادها باقی است. مثلاً چنانچه پیمانکار در قرارداد با کارکنان خود تعهد کار یک ساله به شاغلین کرده باشد ولی کار در ظرف شش ماه مانده به پایان قرارداد آنها خاتمه یابد باید نسبت به جبران خسارت وارده به شاغلین ناشی از عدم امکان کارکرد شش ماهه باقی مانده اقدام نماید.

از سوی دیگر برای انجام عملیات اجرایی ممکن است ماشین آلات و امکاناتی را به صورت اجاره مدت دار در اختیار بگیرد که خاتمه قبل از مدت پایان قرارداد مربوطه می تواند خساراتی را متوجه پیمانکار نماید که طبق این بند قابل بررسی از سوی کارفرما و پرداخت به پیمانکار است.



نتیجه گیری

مسئولیت مدنی در معنای اعم، التزام به جبران خسارت وارده بر دیگری است، اعم از اینکه منشاء ضرر نقض قانون باشد یا قرارداد؛ که عموماً به این مسئولیت، مسئولیت قراردادی اطلاق می‌گردد. علاوه بر مسئولیت قراردادی، طرفین مسئولیت مدنی به جبران خسارت نیز دارند. زیرا در نظام حقوقی ایران و کشورهای دیگر اصل بر جبران کلیه خسارات وارده به زیان‌دیده است و از آنجا که پرداخت خسارات به موجب مسئولیت قراردادی نمی‌تواند همه خسارات وارده را به طرف دیگر جبران کند باید قائل به مسئولیت مدنی وی شد. وقوع ضرر یعنی تفویت منافع محقق الحصول یا به عبارت بهتر منافعی که بر حسب جریان عادی امور تحصیل آن‌ها در فقره حاضر توسط طرفین قرارداد قابل پیش‌بینی است. ضرر یا زیان یا خسارت، نخستین رکن تحقق مسئولیت مدنی است. ضرر در عرف عبارت است از هرگونه صدمی مادی یا معنوی وارده به زیان‌دیده بدین ترتیب ضرر مفهومی موسع و گسترده دارد که شامل هرگونه زیان مادی و معنوی از جمله عدم النفع است.

عرف امروز از دست دادن فرصت را اگر جدی باشد نوعی ضرر تلقی می‌کند و آن را قابل جبران می‌داند. بدین معنی که برای تحقق ضرر، احراز واقعی و جدی بودن فرصت از دست رفته لازم است و برای ارزیابی آن نیز درجه احتمال حصول نتیجه در نظر گرفته می‌شود. بنابراین در صورت فسخ یک طرفه قرارداد مطالبه خسارت به عنوان یک اثر قابل حصول مطرح بوده و اگرچه فسخ باعث معاف شدن طرفین از ادامه انجام تعهدات قراردادی فی‌مابینشان می‌شود اما تمامی حقوق برآمده از قرارداد را متاثر نساخته و حقوقی چون حق مطالبه خسارت را نقض نمی‌کند. با توجه به اینکه بر حسب جریان عادی امور و به احتمال قوی حصول منافع مورد انتظار می‌باشد، لذا از مصادیق عدم النفع یا فوت منفعت مسلم و نفعی قابل مطالبه است. به بیان بهتر، اولاً: کارفرما با اعمال ماده ۴۸ عملاً فرصت بهره‌مندی پیمانکار از منافع ممکن الحصول انجام کار و بهره‌مندی از مزایای آن (که بر حسب جریان عادی امور امری قابل پیش‌بینی بوده) و کسب سود حاصل از اجرای پروژه‌های موصوف را از پیمانکار گرفته است و همچنین اعمال ماده ۴۸ نیز موجب تفویت منافع مسلم و محقق الحصول پیمانکار از بابت شرکت در سایر مناقصات و برنده شدن در آن‌ها که منافع مسلمی را در نتیجه اجرای پروژه‌های مربوطه کسب می‌کرده، شده است و از این منظر نیز کارفرما مسئولیت مدنی در جبران خسارات وارده از این منظر به پیمانکار دارد.



منابع

۱. ادیبی، محمدرضا (۱۳۹۴)، تحلیل حقوقی فسخ و آثار آن در قراردادهای دولتی، چاپ اول، ویرایش دوم، تهران، انتشارات جاودانه جنگل، ۳۲۷ صفحه
۲. حسینی نژاد، حسین قلی (۱۳۷۷)، مسئولیت مدنی، تهران، انتشارات مجد، صفحات ۲۰۰.
۳. شهیدی مهدی (۱۳۸۳) حقوقی مدنی جلد سوم آثار قراردادها و تعهدات چاپ ششم (۱۳۹۲) انتشارات مجد ۴۰۰ صفحه.
۴. قاسم‌زاده، سید مرتضی (۱۳۸۷)، الزامها و مسئولیت مدنی بدون قرارداد، انتشارات نشر میزان، چاپ چهارم، ص ۲۰.
۵. عدل مصطفی (۱۳۸۰)، حقوق مدنی، چاپ دوم (۱۳۹۴)، انتشارات خرسندی، ۵۲۸ صفحه.
۶. کاتوزیان ناصر (۱۳۹۵)، وقایع حقوقی مسئولیت مدنی، چاپ نوزدهم، تهران، انتشارات گنج دانش، ۳۴۴ صفحه.
۷. لوراسا، میشل (۱۳۷۵)، مسئولیت مدنی، ترجمه محمد اشتری، تهران، حقوقدان، ۱۶۴ صفحه.
۸. نجومیان، حسین (۱۳۴۸)، زمینه حقوق تطبیقی در نظام‌های حقوقی اسلامی، فرانسه، انگلیس و روسیه، مشهد، انتشارات جعفری، ۳۴۸ صفحه.
۹. نهرینی، فریدون (۱۴۰۰)، فسخ قرارداد با نگاهی به رویه فضایی، انتشارات گنج دانش، چاپ سوم، ۳۸۰ صفحه
۱۰. وحدتی شبیری، حسن (۱۳۸۲)، مطالبه تطبیقی خسارت تاخیر تادیه در حقوق ایران و فقه امامیه، فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی، ۳، ۱۲
۱۱. یزدانیان، علیرضا (۱۳۷۹)، حقوق مدنی (قلمرو مسئولیت مدنی)، تهران، ادبستان، ۲۸۰ صفحه.
۱۲. حسین‌آبادی، امیر (۱۳۸۱)، بررسی وجه التزام مندرج در قرارداد، نشریه الهیات و حقوق، شماره ۶، زمستان ۱۳۸۱، صفحه ۴۷ تا ۶۰.



۱۳. رضایی محمود و همکاران (۱۳۹۸) بررسی تطبیق امکان محاسبه و مطالبه خسارت در کنار فسخ قرارداد در حقوق ایران و انگلیس در فصلنامه علمی-پژوهشی دانش حقوق مدنی، سال هشتم شماره دوم پاییز و زمستان ۱۳۹۸، صفحات ۳۷-۴۷.

۱۴. عادل مرتضی (۱۳۸۰) توافق بر خسارت در قراردادهای، نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۵۳، پاییز ۱۳۸۰، صفحات ۷۷ تا ۱۱۲.

۱۵. کرمی سکینه (۱۳۹۱)، تحلیل فقهی-حقوقی خسارت ناشی از تفویض منفعت، فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، سال هشتم شماره ۲۹ پاییز ۱۳۹۱، صفحات ۹۷-۱۱۴.

۱۶- گلابتونچی ایرج، جعفرپور کوروش (۱۴۰۱)، تحلیل حقوقی آثار مالی-اقتصادی خاتمه و فسخ پیمان در قراردادهای پیمانکاری، فصلنامه عملی حقوق و مطالعات نوین دوره ۴، شماره پیاپی ۱۰، بهار ۱۴۰۲، صفحات ۱ تا ۳۰.

۱۷. نعمت‌الهی، اسماعیل (۱۳۹۸)، اصل جبرانی بودن خسارت و کارکردهای آن در کامن‌لا و حقوق ایران، مجله پژوهش حقوق تطبیقی، دوره ۲۳، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۸، صفحات ۱۷۵ تا ۲۰۱.

۱۸. سازمان برنامه‌بودجه کشور (۱۳۷۸)، موافقت‌نامه شرایط عمومی و شرایط خصوصی پیمان»، نشریه شماره ۴۳۱۱، انتشارات سازمان برنامه‌بودجه کشور.

۱۹. سازمان برنامه‌بودجه کشور (۱۳۸۳)، فرهنگ واژگان نظام فنی و اجرایی کشور، شماره ۸۳/۰۰ تابستان ۱۳۸۳، انتشارات سازمان برنامه‌بودجه کشور.



A Brief Investigation of the Effects of Termination and Damage Claims in Contracts

Iraj Golabatounchi¹ / Mohsen Rajabzade² / Leila Mahmoudi Madouei³

Article code: JHVMN-2410-1241

Abstract

Although the termination of the contract exempts the parties from their obligations, it does not affect all the rights and obligations arising from the contract. One of these rights is the right to claim damages, which is an independent right and can be combined with other compensation methods. In addition to this issue, other terms related to arbitration and settlement and contractual disputes or terms that are intended to be effective even after termination, are still able to function even after exercising the right of termination. In Iranian law, the effect of termination is for the future, and this action does not invalidate the contract from the beginning, and the benefits resulting from the transaction between the conclusion of the contract and the termination belong to the person who became the owner as a result of the contract. With the exercise of the right of termination by the cucumber owner, a situation is realized in which the demand for damages from the parties becomes relevant. In this article, the effect of termination has been discussed and paid attention to in connection with the issue of claiming damages. In this regard, a brief reference is made in connection with the discussion of the effect of contract termination (notification of article 48 of the publication 4311 of the country's planning and budget organization) in construction contracting contracts and claims and compensation.

keywords: Termination, compensation, claim for damages, non-profit, loss of benefits.

¹ PhD student in Private Law, Faculty of Law and Political Science, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)
irajgolab@gmail.com

² Assistant Professor, Faculty of Law and Political Science, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
mohsen_rajabzade51@yahoo.com

³ PhD student in Private Law, Faculty of Law and Political Science, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran.
elm_danesh@yahoo.com

